

قوه قاهره يا فورس ماژور  
بررسي اجمالي در حقوق تطبيعي  
و حقوق  
بين الملل و قراردادهاي  
بازرگاني بين المللي

دکتر سيدحسين صفايي

مقدمه\*

قوه قاهره يا فورس ماژور يکي از مسائلي است که در قراردادهاي بين المللي مطرح بوده و در اغلب اينگونه قراردادها شرطي راجع به آن ديده مي شود؛ حتي در زمينه مسئوليت خارج از قرارداد هم ممکن است براي معافيت و برائت متعهد از مسئوليت، به قوه قاهره استناد شود. در دعاوي ايران و امريکا نيز هر دو طرف دعوي ممکن است جهت سلب مسئوليت از خود، به قوه قاهره استناد کنند و از اين جهت، مسئله دقيق و حساس است.

---

\*. اين مقاله عمدتاً بمنظور استفاده در دعاوي ايران – ايالات متحده نوشته شده است لکن نظر به فايده عام آن، با اصلاحاتي چند در مجله حقوقي چاپ مي شود.

در این بررسی نخست به بحث از تعریف قوه قاهره می‌پردازیم (بخش اول)؛ سپس شرایط و آثار آن را بر طبق قواعد عمومی مطالعه می‌کنیم (بخش دوم)؛ آنگاه مواردی از فورس ماژور مانند انقلاب، اعتصاب و منع قانونی را که ممکن است در دعاوی بین ایران و آمریکا مورد استناد واقع شود، بررسی می‌نمائیم (بخش سوم)؛ و بالاخره از قوه قاهره در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی سخن می‌گوئیم (بخش چهارم). در این بررسی، هم حقوق داخلی و هم حقوق بین‌الملل مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. در مطالعه حقوق داخلی بیشتر به حقوق فرانسه و آمریکا مراجعه خواهد شد؛ به حقوق فرانسه بدان جهت که اصطلاح فورس ماژور از کد ناپلئون گرفته شده و حقوق فرانسه در واقع بنیانگذار تئوری فورس ماژور و نیز ال‌هام بخش قانون مدنی ایران در مواد راجع به قوه قاهره بوده است؛ و به حقوق آمریکا از آن رو که در برخی از دعاوی مطروحه در دیوان دآوری ایران و آمریکا (لاسه)، طبق توافق طرفین قرارداد، حقوق ایالات متحده

حاکم است که آگاهی از آن لازم و سودمند می‌باشد.

## بخش اول تعریف فورس‌ماژور

### الف. حقوق تطبیقی

فورس‌ماژور که در فارسی به قوه قاهره یا قوه قهریه ترجمه شده اصطلاحی در حقوق فرانسه است که ظاهراً نخست در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) بکار رفته و سپس در کشورهای دیگر، همین لفظ یا ترجمه آن معمول شده و در حقوق بین‌الملل نیز همین اصطلاح حتی در حقوق و کتابهای انگلیسی مورد استفاده و رایج است.

در حقوق فرانسه فورس‌ماژور دارای معنی عام<sup>1</sup> و معنی خاص<sup>2</sup> است. فورس‌ماژور به معنی عام عبارت است از هر حادثه خارجی (خارج از حیطة قدرت متعهد) غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که مانع اجرای تعهد باشد. فورس‌ماژور بدین معنی شامل عمل شخص ثالث و عمل متعهدله

---

1. lato sensus.

2. stricto sensus.

که واجد دو صفت مذکور باشند نیز خواهد شد. اما فورس ماژور به معنی خاص، حادثه‌ای است بی‌نام<sup>3</sup> (یعنی غیرمنتسب به شخص معین و صرفاً ناشی از نیروهای طبیعی)، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب.<sup>4</sup>

بعضی از حقوق‌دانان فرانسوی بین فورس ماژور و حادثه غیرمترقبه<sup>5</sup> فرق گذاشته و گفته‌اند که حادثه غیرمترقبه حادثه‌ای درونی یعنی وابسته به فعالیت متعهد یا بنگاه او است مانند آتش سوزی، عیب کالا، از خط خارج شدن راه آهن و اعتصاب در پاره‌ای موارد؛ در حالیکه فورس ماژور حادثه‌ای برونی است مانند سیل، توفان و غیره.<sup>6</sup>

در فرهنگ اصطلاحات حقوقی Lexique de Termes Juridiques که زیر نظر دو استاد معروف: J. Guillien – J. Vincent تهیه شده در تعریف فورس ماژور چنین آمده است:

---

3. Anonym.

4. Mazeaud (H.L.J.) – de Juglar (M.), Leçons de Droit Civil, T.II, 1er Vol. Paris 1978, no 572 et 573.

5. Cas Fortuit fortuitous event.

6. Weill (A.) Terre (F.), Droit Civil, Les obligations, Paris, 1980, no. 412.

حقوق مدني - به معني عام هر حادثه  
غيرقا بل پيشبيني و غيرقا بل اجتناب  
است كه متعهد را از اجراي تعهد باز  
دارد. فورس ماژور موجب براءت است.  
فورس ماژور به معني خاص در مقابل  
حادثه غيرمترقبه قرار ميگيرد و عبارت  
از حادثه اي بروني است؛ بدین معني كه  
حادثه بايد كاملاً بيگانه با شخص متعهد  
باشد (نيروي طبيعي، عمل دولت، عمل  
شخص ثالث).

معني عام مذکور در اين تعريف با  
معناي عامي كه قبلاً با استفاده از كتاب  
معروف «مازو» ذكر شده، تفاوتی ندارد،  
ولي معني خاص آن متفاوت است و هر دو  
معني خاص در نوشته هاي حقيقي فرانسو  
ديده مي شود. به عبارت روشنتر فورس  
ماژور در معني خاص گاهي براي حادثه  
غيرمنتسب به شخص معين، غيرقابل پيشبيني  
و غيرقابل اجتناب بكار مي رود و گاهي در  
مقابل «حادثه غيرمترقبه» براي حادثه  
بروني و بيگانه با شخص متعهد. به هرحال  
فورس ماژور به معني عام حادثه اي است كه  
نمي توان آن را به تعهد مربوط نمود

(ماده 227 قانون مدني ايران) اعم از اينکه ارتبای با قلمرو فعاليت متعهد داشته و «حادثه غيرمترقبه» تلقي شود يا صرفاً ناشی از عوامل بروني و جدا از متعهد باشد. چنانکه خواهيم دید در صورتی که عدم اجرائی تعهد، ناشی از تقصير متعهد باشد، فورس ماژور تحقق نخواهد یافت.

در حقوق امروز فرانسه بين فورس ماژور و حادثه غيرمترقبه معمولاً فرق نمیگذارد و در رویه قضایی فرانسه هر دو بطور مترادف بکار میروند؛<sup>7</sup> هرچند که بعضی از حقوقدانان فرانسوی و غیر فرانسوی هنوز بين این دو مفهوم تفاوت قائلند. در حقوق بین الملل معمولاً کلمه فورس ماژور به معنی عام بکار می رود که هم فورس ماژور به معنی خاص و هم حادثه غيرمترقبه را در بر میگیرد.<sup>8</sup>

---

7. CARBONNIER (J), Droit Civil, T. 4, Obligations, 7e éd. Paris 1972, no 74, p. 245Y WELL, Op. cit., no 412.

8. برای نظریه های مختلف در فرق بین دو اصطلاح مذکور رجوع شود به: سند سازمان ملل درباره فورس ماژور به شماره A/CN. 4/315 منتشر شده در سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل: جلد 2، بخش 1، ص 70. ش 18. (Yearbook of the International Law Commission 1978, Vol. II Part 1.).

فورس ماژور به معنی عام با اصطلاح «کار خدا»<sup>9</sup> متفاوت است. اصطلاح دوم فقط شامل حوادث غیرعادی است که دارای علل طبیعی هستند و بدون دخالت بشر روی می‌دهند؛ در حالی که فورس ماژور دارای معنی گسترده‌تری است و پاره‌ای حوادث ناشی از عمل انسان را نیز در بر می‌گیرد.<sup>10</sup>

در «کامن‌لو» اصطلاح فورس ماژور معمولاً بکار نمی‌رود؛ ولی مسائل و موارد فورس ماژور تحت عنوان انتفای قرارداد<sup>11</sup> یا عدم امکان<sup>12</sup> مطرح می‌گردد. این نهاد های حقوقی از لحاظ نظری با نهاد فورس ماژور متفاوتند و بویژه قلمروی وسیع‌تر از فورس ماژور دارند؛ معیناً در کشورهای کامن‌لو با استفاده از این نظریات به نتایجی می‌رسند که کم و بیش مشابه نتایج حاصل از فورس ماژور است.<sup>13</sup> وانگهی فورس ماژور در قراردادهای

---

9. Act of God.

10. همان سند ص 68.

11. frustration.

12. impossibility.

13. برای مقایسه فورس ماژور و فراستریشن رجوع شود به: CHRISTOU (R.), A comparison between the doctrines of force majeure and frustration, Law and Finance Review, 1982 vol. 3, pp. 75 s.

اقتصادی بین‌المللی که کشورهای مذکور منعقد می‌نمایند نیز بکار می‌رود و حتی در فرهنگ‌های اصطلاحات حقوق انگلیسی آن را ذکر می‌کنند. در فرهنگ حقوقی «بلاکس» در این باب چنین می‌خوانیم:

فورس ماژور. فرانسوی. در حقوق بیمه: نیروهای فائق یا غیرقابل اجتناب. اینگونه شرط در قرارداد‌های ساختمانی برای حمایت طرفین قرارداد، معمول است؛ در موردی که بخشی از قرارداد، در نتیجه عللی که خارج از کنترل طرفین است و نمی‌توان با مراقبت شایسته از آن اجتناب کرد، غیرقابل اجرا باشد.

### ب. حقوق بین‌الملل

قاعده فورس ماژور نه فقط در حقوق داخلی فرانسه و سایر کشورهای صاحب حقوق نوشته و نیز در کامن‌لو (تحت عناوین دیگر) پذیرفته شده و حتی بعنوان يك اصل کلی حقوقی مشترك بين ملل متمدن معرفی گردیده،<sup>14</sup> بلکه در حقوق بین‌الملل عمومی در روابط دولتها و بویژه در باب

---

14. CHENG (B.) General Principles of Law, London 1953, pp. 757...226 s.

مسئولیت بین‌المللی دولت نیز مطرح است. بعضی از علمای حقوق بین‌الملل درباره امکان استناد به قوه قاهره برای سلب مسئولیت بین‌المللی دولت تردید کرده‌اند؛<sup>15</sup> لیکن نظریه غالب این است که این مفهوم در حقوق بین‌الملل عمومی هم پذیرفته شده است.

«روسو» استاد بنام حقوق بین‌الملل عمومی در جلد اول کتاب حقوق بین‌الملل خود در این باب چنین می‌گوید:

فورس ماژور عبارت از يك مانع غیرقابل اجتناب ناشی از رویدادهای خارجی است که یا از اجرای تعهد و یا از رعایت يك قاعده حقوق بین‌الملل جلوگیری می‌کند. همه نظامهای حقوق داخلی، رفع مسئولیت شخصی را که بر اثر قوه قاهره، اجرای تعهدات قراردادی برای او مطلقاً غیرممکن شده است، می‌پذیرند، در حقوق بین‌الملل، اثر فورس ماژور، معافیت دولت از مسئولیتی است که معمولاً به سبب عدم اجرای عهدنامه دامنگیر آن است.<sup>16</sup>

---

15. CAVARE (L.) Le Droit international public positif, T.II, Paris 1969, p. 498 – 502-503.

16. ROUSSEAU, Droit international public, T.J. Paris 1971 no 115.

روسو در جلد ششم کتاب مذکور در باب  
علل معافیت از مسئولیت بین‌المللی نیز  
مسئله را مطرح کرده و پس از تعریف فورس  
ماژور اعلام اینکه فورس ماژور در حقوق  
بین‌الملل عمومی نیز مانده حقوق خصوصی  
علت معافیت از مسئولیت است، به سه رأی  
بین‌المللی بشرح زیر استناد می‌کند:<sup>17</sup>

1. رأی دیوان دائمی داوری مورخ 11  
نوامبر 1912 در دعوی پرداخت غرامت  
جنگی بوسیله ترکیه به روسیه.
2. رأی دیوان دائمی بین‌المللی  
دادگستری مورخ 12 ژوئیه 1929 در دعوی  
وامهای صربستان.
3. رأی دیوان دائمی بین‌المللی  
دادگستری مورخ 15 ژوئن 1929 در دعوی  
شرکت بازرگانی بلژیک.

در گزارش مشروحی که بوسیله  
دبیرخانه سازمان ملل متحد راجع به فورس  
ماژور تهیه شده و در اسناد سازمان ملل  
طی شماره A/CN.4/35 به ثبت رسیده است نیز  
فورس ماژور بعنوان یک نهاد حقوقی

---

17. ROUSSEAU, op. cit. T. Paris 1983 no 89.

پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل معرفی گردیده است. در این گزارش می‌خوانیم:

دفاع یا ایراد فورس ماژور يك علت موجه (رافع مسئولیت)، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل است. دیوان دائمی داوری در رأی مورخ 11 نوامبر 1912 راجع به پرونده گرامت روسیه<sup>18</sup> پذیرفته است که «ایراد فورس ماژور... ممکن است در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح شود» و به دفاع یا ایراد فورس ماژور کراراً بعنوان يك «اصل کلی حقوقی» ارجاع شده است. بدینسان گفته شده که: «این يك اصل کلی حقوقی است که در صورت عدم امکان اجرای تعهد به علت فورس ماژور، متعهد از هر مسئولیتی معاف است» و نیز گفته شده است که «بموجب اصل کلی حقوقی شناخته شده در کلیه کشورهای هر گاه خسارت، خارج از اراده دولت عامل و در نتیجه فورس ماژور روی داده باشد، مسئولیت منتفی خواهد بود».<sup>19</sup>

---

18. Russian Indemnity.

19. سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل 1978: جلد 2، بخش 1، ص 68، ش 9.

**قوه قاهره فورس ماژور 121**

در کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (1969)، هرچند که لفظ فورس ماژور بکار نرفته، اما به مفهوم آن اشاره شده است. ماده 61 کنوانسیون زیر عنوان «پیش آمد عدم امکان اجرا» چنین مقرر می‌دارد:

1. يك طرف مي‌تواند به عدم امکان اجراي عهدنامه براي فسخ يا كناره‌گيري از آن استناد كند در صورتي‌كه عدم امکان، ناشي از فقدان يا نابودي موضوعي باشد كه براي اجراي عهدنامه ضروري بوده است. اگر عدم امکان موقت باشد، فقط بعنوان زمينه‌اي براي تعليق عمل به عهدنامه قابل استناد است.
2. هرگاه عدم امکان، نتیجه نقض يك تعهد ناشي از عهدنامه ياتعهد بين‌المللي ديگري در برا بر هر يك از طرفهاي ديگر عهدنامه باشد، عدم امکان اجرا بعنوان مبناي فسخ يا كناره‌گيري يا تعليق عمل به عهدنامه، قابل استناد نخواهد بود.<sup>20</sup>

---

20. براي توضيح درباره اين ماده رجوع شود به گزارش دبیرخانه سازمان ملل درباره فورس ماژور، ش 77 ببعده.

چنانکه ملاحظه می‌شود مفهوم فورس ماژور در این ماده منعکس است؛ ولی به نظر می‌رسد که این ماده فقط یکی از موارد فورس ماژور را که ناشی از فقدان یا نابودی موضوع قرارداد می‌باشد، ذکر کرده است، در حالیکه فورس ماژور قلمرویی گسترده‌تر دارد. بدین جهت ماده مزبور مورد انتقاد بعضی از علمای حقوق بین‌الملل واقع شده است.<sup>21</sup>

### بخش دوم شرایط و آثار فورس ماژور

نخست شرایط و ارکان فورس ماژور که تحقق فورس ماژور منوط به وجود آنها است (الف) و سپس آثاری که فورس ماژور در صورت تحقق ببار می‌آورد (ب)، مورد بحث قرار خواهد گرفت. بحث ما در اینجا مبتنی بر قواعد عمومی حقوق، یعنی قواعدی است که عموماً در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است.

---

21. FEUTER (P.) Droit international public, Coll. Temis, Paris 1976, p. 141.

## الف. شرایط فورس ماژور

معمولاً برای فورس ماژور سه شرط، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل ذکر می‌کنند:

1. حادثه باید غیرقابل اجتناب باشد.
2. حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی باشد.
3. حادثه باید خارجی باشد.

### اول. حادث باید غیرقابل اجتناب باشد

حادثه‌ای فورس ماژور تلقی می‌شود که غیرقابل اجتناب<sup>22</sup> و به تعبیر دیگر غیرقابل دفع باشد. در واقع اجرای تعهد با وقوع چنین حادثه‌ای غیرممکن می‌شود و هیچ‌کس متعهد به امر غیرممکن نیست. در حقوق ایران، ماده 229 قانون مدنی بدین شرط تصریح و در حقوق فرانسه، ماده 1148 قانون مدنی بدان اشاره می‌کند.

در حقوق فرانسه گفته می‌شود مقصود از عدم امکان در این باب، عدم امکان مطلق است، نه نسبی یا شخصی.<sup>23</sup> یعنی حادثه‌ای فورس ماژور تلقی می‌شود که باعث عدم

---

22. Inevitable – irresistible.

23. Subjective.

امکان اجرای تعهد برای همه باشد، نه فقط برای متعهد و ناشی از وسائل و امکانات ضعیف او.<sup>24</sup> در حقوق امریکا نیز ظاهراً همین نظر پذیرفته شده است؛ مثلاً بموجب بعضی از آراء، اعلام شده است که اعسار یا ورشکستگی متعهد که از موارد عدم امکان شخصی است، موجب براءة او نخواهد بود.<sup>25</sup> ولی در بعضی از نظامهای حقوقی، عدم امکان نسبی هم ممکن است فورس ماژور بشمار آید؛ مثلاً در حقوق آلمان، ماده 275 قانون مدنی عدم امکان شخصی و نسبی را در صورتیکه منتسب به شخص متعهد و قابل پیشبینی در زمان عقد نباشد، در حکم عدم امکان مطلق میدانند.<sup>26</sup> گزارش دبیرخانه سازمان ملل درباره قوه قاهره در حقوق بینالملل هم نظریه‌ای را که عدم امکان مطلق و عینی را شرط تحقق فورس ماژور میدانند، بویژه اگر از نظر اجرا عمومیت داشته باشد، افراطی تلقی می‌کند.<sup>27</sup> عدم امکان ممکن

---

**24.** کاربنیه، حقوق مدنی، ج 4، ش 74 - مازوها، دروس حقوق مدنی: ج 2، بخش 1، ش 576.

**25.** CORBIN on Contract, T. 6, 1962, &1332.

**26.** VAN OMMESLAGHE (P.) Les clauses de forcemajeue et D'imprévision (hardship) dans les contrats internationaux, Revue de Droit international et de Droit comparé, 1980. p.22.

**27.** گزارش دبیرخانه سازمان ملل (پانویس 8): ش 16، ص 70.

## قوه قاهره فورس ماژور 125

است فیزیکی باشد، مانند موردی که سیل و زلزله و جنگ مانع اجرای تعهد می‌شود، یا حقوقی، مانند عدم امکان ناشی از قانون جدید یا تصمیم اداری مبنی بر منع صادرات یا واردات یا سلب مالکیت یا ملی کردن شرکت متعهد.<sup>28</sup>

به هر حال صرف دشواری اجرای تعهد، کافی برای تحقق فورس ماژور نیست. حتی در موردی که به علت تغییر وضع اقتصادی، اجرای تعهد بغایت سنگین و پر خرج باشد، فورس ماژور صادق نیست؛ هرچند ممکن است متعهد در برخی از نظامهای حقوقی بتواند جهت تعدیل یا انحلال قرارداد به نظریه دیگری که نظریه «تغییر اوضاع و احوال» یا «دشواری»<sup>29</sup> یا «عدم پیش‌بینی»<sup>30</sup> یا فراستریشن نامیده می‌شود، استناد کند.

**دوم. حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی باشد.**

در حقوق فرانسه حادثه‌ای فورس ماژور تلقی می‌شود که در زمان عقد قرارداد، برای انسان غیرقابل پیش‌بینی باشد؛ چه،

---

**28.** رجوع شود به مقاله VAN Ommeslaghe مندرج در مجله حقوق بین‌الملل و حقوق تطبیقی: سال 1980، ص 16\_22\_28.

**29.** Hardship.

**30.** Théorie de L'imprévision.

در صورتیکه حادثه قابل پیش‌بینی باشد متعهد موظف است تدابیر احتیاطی بیشتری برای اجتناب از آن اتخاذ کند و در نهایت باید از عقد قرارداد خودداری نماید. موجب سلب مسئولیت از متعهد نخواهد شد.

البته غیرقابل پیش‌بینی بودن بدین معنی نیست که حادثه قبلاً هیچگاه واقع نشده باشد. همه حوادثی که تازگی ندارند، به يك معنی قابل پیش‌بینی هستند. قابلیت پیش‌بینی کلی و مجرد در اینجا مورد نظر نیست. حادثه هنگامی غیرقابل پیش‌بینی است که علت خاصی برای تصور پیش آمدنش وجود نداشته باشد؛ مثلاً زلزله در ناحیه‌ای که زلزله خیز نبوده است حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی تلقی می‌شود. به تعبیر دیگر حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی تلقی می‌شود که وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد.<sup>31</sup>

شرط غیرقابل پیش‌بینی بودن در اغلب کشورها مقرر است؛ ولی در حقوق انگلیس آن را لازم نمی‌دانند. در این کشور ممکن است يك حادثه قابل پیش‌بینی نیز موجب

---

31. ویل، حقوق مدنی، تعهدات 41313، ص 476 و 475.

انتفای قرارداد و سقوط تعهد تلقی شود، هرچند که قابل پیش‌بینی نبودن حادثه در اثبات و تشخیص اینکه تغییر بنیادی در قرارداد برحسب اراده طرفین روی داده و در نتیجه، قرارداد نخستین منتفی شده است، مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>32</sup>

«تریتل» از مؤلفان معروف انگلیسی می‌گوید:

صرف اینکه طرفین قرارداد یا یکی از آنان می‌بایست وقوع حادثه را پیش‌بینی کنند، مانع اجرای دکتترین فراستریشن نیست. در دعاوی تاجگذاری،<sup>33</sup> ایتلائی ادوارد هفتم که (60 ساله بوده) به بیماری، بطور معقول قابل پیش‌بینی بوده و با وجود این، نظریه فراستریشن در آن دعاوی اجرا شده است. حتی بعضی

---

**32.** مقاله Van Ommeslaghe، ص 19.

**33.** Coronation Cases مقصود آرائی است که به مناسبت تاجگذاری ادوارد هفتم در انگلیس صادر شده است. برای دیدن مراسم تاجگذاری، بعضی از اشخاص قراردادهایی بستند؛ مثلاً آپارتمانی برای استفاده از پنجره‌های آن و یا قایقی برای تماشای ناوگانی که شاه فرماندهی آن را برعهده داشت، اجاره کردند. اما به علت ایتلائی شاه 60 ساله به آنژین، مراسم لغو شد و بدین سبب ادعائی بر پایه انتفای قرارداد (فراستریشن) در دادگاه‌های انگلیس مطرح گردید که به دعاوی تاجگذاری معروف است. رجوع شود به:

DAVID (R.). Les contrats en droit anglais, paris 1973, no 405.

از آرا از این هم فراتر رفته و اعلام کرده‌اند که ممکن است در موردی که حادثه دقیقاً پیش‌بینی شده است، نظریه فراستریشن اجرا گردد، ولی قبول این نظر دشوار است؛ زیرا در این مورد متعهد خطرات ناشی از وقوع چنین حادثه‌ای را با علم و اطلاع پذیرفته است و دادگاه نباید این نکته را نادیده بگیرد. پس نظریه مرجح در اینگونه موارد، عدم امکان استناد به نظریه فراستریشن است.<sup>34</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود تریتل بین قابل پیش‌بینی بودن و پیش‌بینی شدن فرق گذاشته است. ممکن است حادثه بطور معقول قابل پیش‌بینی باشد، ولی متعهد آن را پیش‌بینی نکند؛ در این صورت، طبق نظریه تریتل و بموجب برخی از آرای صادر از دادگاه‌های انگلیس ممکن است فراستریشن تحقق یابد و تعهد ساقط یا معلق شود. لیکن اگر متعهد حادثه را پیش‌بینی یا قابل پیش‌بینی کرده و در عین حال تن به انعقاد قرارداد داده باشد، در واقع خطر ناشی

---

34. TREITEL (G.H.) An Outline of the Law of Contract, 2d ed, London 1979, p. 315-316.

از حادثه را پذیرفته است و باید مسئول شناخته شود و در این مورد جایی برای اعمال نظریه فراستریشن نخواهد بود. با اینکه گاهی بطور مطلق گفته شده است که در کامن لو غیرقابل پیش بینی بودن حادثه شرط تحقق فورس ماژور یا فراستریشن نیست، اما در حقوق امریکا ظاهراً بر طبق رویه قضائی، غیرقابل پیش بینی بودن حادثه تحقق دکترین فراستریشن است. یکی از مؤلفان امریکائی در این باره با استناد به آرا می گوید: هرگاه حادثه مانع اجرا بطور معقول قابل پیش بینی<sup>35</sup> باشد فراستریشن دفاع تلقی نمی شود.<sup>36</sup>

گزارش دبیرخانه سازمان ملل در این باب گفته شده است:

حادثه باید غیرقابل پیش بینی یا قابل پیش بینی ولی غیرقابل اجتناب یا غیرقابل دفع<sup>37</sup> باشد، و «باید تأکید کرد که کافی است یکی از این دو شرط وجود داشته باشد».<sup>38</sup>

---

35. reasonably foreseeable.

36. Corpus Juris Secundum, T. 17 A, § 463 (2), p. 618 and 620.

37. inevitable of irresistible.

38. گزارش دبیرخانه سازمان ملل: ش 15، ص 69.

ظاهراً نویسندگان این گزارش در این خصوص تحت تأثیر حقوق انگلیس واقع شده‌اند. در عرف بازرگانی بین‌المللی هم قابل پیش‌بینی بودن حادثه شرط تحقق فورس ماژور بشمار نمی‌آید.<sup>39</sup>

در حقوق ایران هریک از دو نظریه مذکور قابل دفاع است. ممکن است گفته شود چون قانون مدنی ایران در زمینه قوه قاهره از حقوق فرانسه الهام گرفته و از آنجا که در صورت قابل پیش‌بینی بودن حادثه نمی‌توان گفت «دفع آن خارج از حیطه اقتدار» متعهد بوده یا عدم اجرای تعهد ناشی از علتی است که «نمی‌توان به او مربوط نمود» و باتوجه به اینکه اصل، بقای مسئولیت متعهد در صورت تردید است، لذا حادثه‌ای که قابل پیش‌بینی باشد فورس ماژور تلقی نمی‌شود و موجب عدم مسئولیت متعهد نخواهد بود. و نیز ممکن است گفته شود چنین شرطی در قانونی مدنی مقرر نشده است و نباید شرطی به شرایط مقرر در قانون افزود.

**سوم. حادثه باید خارجی باشد**

---

39. VAN OMMESLAGHF, op. cit. p.41.

معمولاً می‌گویند حادثه‌ای قوه قاهره تلقی می‌شود که خارجی<sup>40</sup> و به تعبیر دقیق‌تر خارج از متعهد و قلمرو مسئولیت او باشد. بنابراین عیب مواد اولیه یا تقصیر کارکنان متعهد، قوه قاهره بشمار نمی‌آید هرچند که غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب باشد.<sup>41</sup> ماده 226 قانون مدنی ایران با ذکر اینکه «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام، بواسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط نمود»، به نکته فوق تصریح کرده است. ماده 1147 قانون مدنی فرانسه نیز که دارای عبارت مشابه عبارت ماده 226 قانون مدنی ایران است، با ذکر جمله «علت خارجی که قابل انتساب به متعهد نباشد»، مفید همان نکته است. معهذا مفهوم و قلمرو این شرط قابل بحث است و بویژه در حقوق فرانسه مورد تردید بعضی از علمای حقوق واقع شده است. «ویل» در این باره می‌گوید:

---

40. Exterieur – erternal.

41. کاربنیه: ش 74، ص 283، چاپ یازدهم، 1982.

ممکن است بگویند عدم اجرا باید ناشی از يك حادثه خارجي باشد. ولي اين شرط خارجي بودن<sup>42</sup> که در زمینه مسئولیت خارج از قرارداد (رجوع شود به شماره 734) پذیرفته شده در زمینه قراردادي نا مسلم است. بي شك در اینکه عیب چیزی که برای اجرای قرارداد بکار رفته موجب برائت متعهد نیست... توافق حاصل است؛ لیکن شرط خارجي بودن، هنگامی که اشکال، ناشی از رفتار يك شخص باشد، و ضوح کمتری دارد. البته تقصیر کارگر متعهد که ناشی از شخصي دیگر ولي غير خارجي است هرگز باعث معافیت کارفرما از مسئولیت نخواهد شد، زیرا چنانکه می‌دانیم کارفرما مسئول کار اشخاصي است که برای اجرای تعهدات خود بکارگمارده است؛ ولي اين قاعده مانع از آن نیست که در پاره‌ای موارد، اعتصاب مزدبگیران علت معافیت بشمار آید در حالیکه در داخل بنگاه متعهد روي می‌دهد. در حقیقت، به محض اینکه شخصي بطور آشکار نقش واسطه را ایفا کند، تفکیک بین داخلي و خارجي

---

42. Extériorité.

بودن تا حدي دشوار است. در نظر داشته باشيم که بیکاري متعهد، علت موجه عدم ایفای دین تلقی شده است و این قلمرو شرط خارجی بودن را محدود می‌کند...<sup>43</sup>

بدینسان ملاحظه می‌شود که شرط خارجی بودن، محل بحث و تردید است و شاید به همین جهت در گزارش دبیرخانه سازمان ملل، بعد از ذکر اینکه «حادثه باید خارج از کنترل متعهد بوده و نباید متعهد مسبب آن باشد»، چنین آمده است:

مع هذا شرط اول از شرایط بالا بدان معنی نیست که حادثه یا پیش آمد تشکیل دهنده فورس ماژور باید مطلقاً خارج از شخص و فعالیت های متعهد باشد. عنصر اصلی در يك حادثه فورس ماژور در این نیست که آیا فعل یا ترك فعل مطرح شده از آن متعهد یا خارج از او است، بلکه آن است که آن فعل یا ترك فعل قابل انتساب به متعهد بعنوان نتیجه رفتار ارادی شخص او نباشد.<sup>44</sup>

---

43. WELL (A.) – TERRE (F.) OP. cit. no 413, p. 475-476.

و نیز در این زمینه رجوع شود به مازوها، دروس حقوق مدنی: ج 2، بخش 1، ش 577.

44. گزارش دبیرخانه سازمان ملل: ش 15، ص 69.

ب علاوه در گزارش دبیرخانه سازمان ملل به دشواری خاص شرط خارجی بودن حادثه در حقوق بین‌الملل عمومی با این عبارت اشارت رفته است:

این شرط که فورس ماژور باید یک حادثه خارج از متعهد باشد، در روابط بین‌الملل همواره به سهولت قابل اثبات نیست؛ زیرا چنانکه گفته شده است: هر قدر جامعه‌ای که به قوه قاهره استناد می‌کند گسترده‌تر باشد، عوامل خارجی آن محدودتر است. (ش 16، ص 70).

بنابراین به نظر می‌رسد داخلی یا خارجی بودن مهم نیست؛ بلکه مهم این است که حادثه قابل استناد به متعهد نباشد و به تعبیر قانون مدنی ایران چنان باشد که عرفاً نتوان آن را به متعهد مربوط نمود. شاید مقصود از کلمه خارجی در برخی از نوشته‌ها و متون بویژه در ماده 226 قانونی مدنی ایران، همین معنی باشد، نه بدان معنی که حادثه مطلقاً از قلمرو وجود و فعالیت متعهد بیرون باشد.

**ناسازگاری قوه قاهره با تقصیر متعهد**

**قوه قاهره فورس ماژور 135**

از آنچه گفتیم بخوبی برمی‌آید که تقصیر متعهد با قوه قاهره قابل جمع نیست: در آنجا که قوه قاهره محقق باشد، تقصیر از سوی متعهد منتفی است؛ چرا که نمی‌توان حادثه‌ای را به تقصیر کسی نسبت داد که قدرت دفع آن را نداشته است. از سوی دیگر، تقصیر نیز قوه قاهره را نفی می‌کند؛ بنابراین هرگاه تقصیر متعهد سبب بروز حادثه‌ای غیرمترقبه و غیرقابل دفع شده باشد، متعهد مسئول است و نمی‌تواند با استناد به قوه قاهره خود را مبری از مسئولیت بداند. مثلاً در حقوق فرانسه گفته‌اند اگر در اثر تقصیر مؤسسه راه آهن در رساندن کالا به مقصد، کالا در ایستگاه راه آهن بوسیله دشمن غارت شود، مؤسسه مزبور مسئول است؛ چرا که اگر در رساندن کالا به مقصد تأخیر نمی‌کرد حادثه اتفاق نمی‌افتاد، یا هرگاه مورد معامله در حادثه‌ای مانند آتش‌سوزی نابود شده، درحالی‌که متعهد توانایی نجات آن را داشته است یا در موقعی که مه غلیظی دریا را فراگرفته، در اثر توقف ناشیانه ناخدا، کشتی به تخته سنگها خورده و محموله آن به دریا ریخته باشد، در این

موارد نیز متعهد مسئول است. اگر تقصیر در اطفاي حريق يا بيرون كشيدين مورد معامله از محل حادثه نبود، مورد معامله تلف نمي‌شد و نیز اگر با مه غليظ تقصير نا خدا نبود، حادثه روي نمي‌داد.<sup>45</sup> در حقوق انگليس گفته‌اند: اگر مستأجر كشتي دستور دهد كه كشتي را به منطقه جنگي هدايت كنند و در نتيجه، كشتي توقيف شود، نمي‌تواند به نظريه فراستريشن استناد كند و بطور كلي اگر تقصير متعهد موجب بروز حادثه شده باشد، قاعده فراستريشن قابل اعمال نيست.<sup>46</sup>

اينكه حادثه ناشي از تقصير يا اشخاصي كه متعهد جوابگوي اعمال آنها است، فورس ماژور تلقى نمي‌شود، ظاهراً مورد اتفاق نظر همه نظامهاي حقيقي است. در گزارش دبیرخانه سازمان ملل متحد هم ضمن بحث از ايکه بايد رابطه سببيت بين حادثه فورس ماژور و عدم اجراي تعهد وجود داشته باشد، به اين نکته اشاره رفته است.<sup>47</sup> در واقع در آنجا كه تقصير

---

**45.** کاربنیه، کتاب مذکور: ش 74، ص 283.

**46.** تریتل، کتاب مذکور: ص 316. و نیز رجوع شود به مقاله Van Omme slaghe ص 19\_21\_29.

**47.** گزارش دبیرخانه سازمان ملل: ش 15، ص 70.

متعهد - هرچند با واسطه - پدید آورنده حادثه باشد، عدم اجرای تعهد منتسب و مربوط به او است نه به يك علت خارجي، و از این رو متعهد، مسئول است و نمی‌تواند جهت رفع مسئولیت خود به قوه قاهره استناد کند.

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا مناسب به نظر می‌رسد آن است که از نظر آئین دادرسی، اثبات فورس ماژور برعهده متعهد است؛ یعنی متعهد باید ثابت کند که يك علت خارجي که به او مربوط نیست، باعث عدم اجرای تعهد شده است (ماده 227 قانون مدني ايران)، و به تعبیر دیگر اگر متعهد ثابت کند که «بواسطه حادثه‌اي که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است» نتوانسته «از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود» (ماده 229 قانون مدني ايران). از نظر آئین دادرسی، قوه قاهره بعنوان «دفاع»<sup>48</sup> یا «ایراد»<sup>49</sup> مطرح می‌شود. حتی دیوان دائمی داوری در رأی مورخ 11 نوامبر 1912 راجع به پرونده غرامت

---

48. defense.

49. exception.

روسیه اعلام کرده است که «ایراد فورس ماژور» ممکن است در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح گردد.<sup>50</sup> افزودن «دفاع» یا «ایراد» به کلمات فورس ماژور حاکی از این است که فقط مدعی علیه برای رفع مسئولیت از خود می‌تواند به آن استناد کند و در این صورت، شک نیست که بار دلیل بر دوش او خواهد بود.

#### ب. آثار فورس ماژور<sup>51</sup>

اثر فورس ماژور ممکن است برحسب مورد، سقوط تعهد و انحلال قرارداد یا تعلیق آن باشد.

#### اول. سقوط تعهد و انحلال قرارداد

در صورتی که فورس ماژور عدم امکان دائمی اجرای قرارداد را در پی داشته باشد، موجب انحلال قرارداد و سقوط تعهد خواهد شد. در این صورت فورس ماژور موجب برائت متعهد و معافیت او از مسئولیت است و متعهدله نمی‌تواند بعلت عدم اجرای قرارداد، مطالبه خسارت کند (ماده 1148

---

50. گزارش دبیرخانه سازمان ملل: ش 8 و 9، ص 67 و 69.

51. MAZEAUD, op. cit. nos 578 et s, WEILL, op. cit. no. 414.

قانون مدني فرانسه و ماده 229 قانون مدني ايران). مع هذا در موارد ذيل فورس ماژور موجب برائت متعهد نخواهد بود:

### .1

در مواردی که متعهد به موجب قرارداد خطرات ناشی از قوه قاهره را پذیرفته و عبارت دیگر در قرارداد تصریح شده باشد که متعهد حتی در صورت تحقق قوه قاهره، مسئول است. همینطور است در صورتی که قانون این مسئولیت را مقرر داشته است.

### .2

در مواردی که قبل از بروز حادثه فورس ماژور، موعد ایفای تعهد فرا رسیده و متعهدله اجرای آن را مطالبه کرده باشد. این قاعده در حقوق فرانسه بموجب بند 2 ماده 1138 و ماده 1302 قانون مدني مقرر شده است؛ ولی در حقوق ایران به نظر می‌رسد که مطالبه در این خصوص شرط نیست و همین که زمان ایفای تعهد فرا رسید، متعهد مکلف به اجرای تعهد است و اگر در این خصوص اقدام نکند و سپس اجرای تعهد بعلت قوه قاهره غیرممکن

شود، مسئول است مگر اینکه تعیین زمان اجرای تعهد در اختیار متعهدله باشد که در این صورت، مطالبه لازم خواهد بود (مستنبط از ماده 226 قانون مدنی ایران). در حقوق انگلیس هم ظاهراً همین راه حل پذیرفته شده است.<sup>52</sup>

### .3

در موردی که عدم امکان اجرا جزئی است و فقط شامل بعضی از تعهدات ناشی از قرارداد است. در این صورت، برائت متعهد نیز جزئی خواهد بود و نسبت به تعهداتی که ایفای آن امکان دارد، مسئولیت باقی است. البته در این مورد باید بررسی و روشن کرد که آیا تعهداتی که هنوز قابل اجرا است دارای فایده کافی برای متعهدله هست و آیا اراده طرفین بر بقای قرارداد بطور جزئی بوده است یا خیر؟ در صورتی که تعهدات مزبور فایده کافی برای متعهدله نداشته یا برحسب اراده طرفین، قرارداد يك كل تجزیه نا پذیر با شد، قرارداد بطور كلي منحل و همه تعهدات ناشی از آن ساقط خواهد شد.

---

52. DAVID (R.) Les contrats en droit anglais, no 382.

#### .4

در صورتیکه قوه قاهره یکی از علل عدم اجرای تعهد و خسارت باشد نه علت تامه آن، و تقصیر متعهد هم یکی از اسباب و علل خسارت باشد، رویه قضایی فرانسه معافیت جزئی از مسئولیت را به نسبت دخالت قوه قاهره می پذیرد. به عبارت دیگر، هنگامی که فورس ماژور دخالت جزئی در ورود خسارت داشته و جزو علت باشد، از میزان غرامت کاسته خواهد شد.<sup>53</sup>

#### .5

در صورتیکه فورس ماژور ناشی از تقصیر متعهد باشد، مانند مورد غارت کالا بوسیله دشمن بر اثر تأخیر قطار، یا هدایت کشتی به منطقه جنگی و تصرف آن از سوی نیروهای متخاصم، یا تأخیر در تحول کالا و مواجه شدن با منع قانونی، مسئولیت باقی می ماند.<sup>54</sup> البته اثبات اینکه تقصیر متعهد سبب فورس ماژور بوده

53. MARTY (G.) – RAYNUD (P.) Droit civil, T.II, I er vol. Obligations, Paris 1962, no 492, p. 536; WEIL, OP. cit, no 441.

54. CORBIN on Contract, vol. 6, §1352; VAN OMMESLAGHE, op. cit., p. 19.

است برعهده متعهد له است. مجلس اعیان انگلیس در رأی صادر در یک پرونده<sup>55</sup> به سال 1941 بدین نکته تصریح کرده است.<sup>56</sup> در قرارداد های دو تعهدی یا ملزم طرفین<sup>57</sup> که در آنها تعهد یک طرف علت تعهد طرف دیگر است، هرگاه تعهد یک طرف بعلت فورس ماژور ساقط شود، تعهد طرف دیگر نیز ساقط و قرارداد منحل خواهد شد. همبستگی تعهدات در قراردادهای مذکور، مستلزم این نتیجه است. بقای تعهد یکی از طرفین با وجود سقوط تعهد طرف دیگر بعلت فورس ماژور، با ماهیت اینگونه قراردادها و اراده طرفین مبیانت دارد و به هیچوجه قابل دفاع نیست. البته پس از انحلال قرارداد در صورتیکه یک طرف پرداختی بیش از آنچه دریافت کرده انجام داده باشد، چنانکه پیشپرداختی انجام شده که در ازای آن کالایی تحویل نگردیده است، براساس اصل استفاده بلاجهت، قابل استرداد است.<sup>58</sup>

---

55. Joseph Constantine S. S. Lines Ltd v. Imperial Smelting Corporation.

56. DAVID, op. cit, no 412, p. 400.

و نیز رجوع شود به: Ripert – Boulanger, Droit civil, T. II. No 815.

57. Synallmatique.

58. رجوع شود به مقاله Van Ommeslaghe ص 22 و 23.

## دوم. تعلیق قرارداد

هرگاه بروز حادثه‌ای که موجب عدم امکان اجرای تعهد شده موقت باشد، فورس ماژور موجب تعلیق قرارداد است و پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را باز می‌یابد مشروط بر اینکه اجرای آن، فایده خود را حفظ کرده و منطبق با اراده طرفین باشد. تشخیص اینکه آیا بعد از انقضای مدت تعلیق، قرارداد فایده خود را حفظ کرده و اجرای آن با اراده طرفین سازگار است یا خیر، با دادگاه است و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که ماهیت قرارداد بکلی دگرگون شده و اجرای آن برخلاف اراده مشترک طرفین در زمان وقوع عقد است، حکم به انحلال آن خواهد داد. معمولاً در مورد قراردادهایی که جنگ اجرای آنها را معلق کرده است، این مسئله پیش می‌آید و دادگاه باید ببیند آیا بعد از جنگ قرارداد، فایده خود را حفظ کرده است یا خیر؟<sup>59</sup>

---

59. همان مقاله: ص 19 - مارتی ورنو، حقوق مدنی: ج 2، بخش 1، ش 491 - ویل، کتاب مذکور؛ ش 414.

به هر تقدیر، در صورت تعلیق قرارداد به علت فورس ماژور، متعهد مسئول خسارات ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرا در مدت تعلیق نخواهد بود؛ چنانکه دیوان داوری ایران - ایالات متحده در رأی شماره 2\_49\_24 مورخ 5 مرداد 1362 بدان تصریح کرده است. بطور کلی یکی از آثار فورس ماژور برائت و عدم مسئولیت متعهد است و در آنجا که قرارداد به علت فورس ماژور اجرا نشده یا در اجرای آن تأخیری روی داده باشد، متعذله نمی‌تواند بدین سبب مطالبه خسارت نماید.

\*

#### بخش سوم

#### مواردی از فورس ماژور

بعد از بحث از قواعد عمومی راجع به شرایط و آثار فورس ماژور، بجا است مواردی از آن باختصار مورد بررسی واقع شود. انقلاب، اعتصاب و منع قانونی از جمله عواملی هستند که معمولاً در قراردادهای اقتصادی بین‌المللی بعنوان

---

\* . رجوع شود به ص 30-31 مجله حاضر.

فورس ماژور ذکر می‌شوند و بحث از آنها در اینجا مناسب می‌نماید.

### **الف. انقلاب و شورشهای مردمی**

در عمل دولتها و آرای قضائی بین‌المللی، بارها انقلاب بعنوان فورس ماژور معرفی شده و عدم مسئولیت دولت نسبت به خسارات وارده به بیگانگان در جریان انقلابها و شورشهای مردمی، ادعا یا پذیرفته شده است. در گزارش دبیرخانه سازمان ملل راجع به قوه قاهره، در فصل «عمل دولتها بدانگونه که در مکاتبات و اوراق رسمی راجع به موارد خاص منعکس شده است»، بخشی تحت عنوان «جنگهای داخلی، انقلابها، آشوبها، شورشها، خشونت‌های مردمی و غیره» دیده می‌شود. در این بخش به مکاتبات و اسناد متعددی از دولتها اشاره رفته است که در آنها و شورشهای مردمی بعنوان قوه قاهره جهت رفع مسئولیت دولت نسبت به خسارات وارده به جان یا مال بیگانگان در جریان انقلابها و شورشهای مذکور، اعلام شده است.

و نیز در همان گزارش، در فصل «تصمیمات قضائی بین‌المللی»، از آرای متعدد صادر از دادگاه‌های داوری و کمیسیون‌های مختلط سخن به میان آمده که برخی از آنها مربوط به مسئله مورد بحث و مبتنی بر عدم مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از انقلابها و شورشهای مردمی است. متأسفانه گزارش مذکور متضمن تحلیل یا نتیجه‌گیری جامعی از آرای بین‌المللی نیست و فقط به شرح مختصری درباره آرا و نقل بخشی از آنها اکتفا کرده است.

پروفسور روسو در فصل «مسئولیت دولت در مورد جنگ داخلی»، ضمن بحث از قواعد عمومی حقوق بین‌الملل، در این زمینه چنین می‌گوید:

در اینجا جز تنظیم راه‌های برآمده از آرای قضائی بین‌المللی کاری نمی‌توان کرد. دو رأی اساسی در این باب وجود دارد: رأی داوری مورخ اول مه 1925 براساس قرارداد داوری 29 مه 1923 صادر بوسیله پرفسور ماکس هابر<sup>60</sup> در پرونده مطالبات بریتانیاییها برای خسارات وارد

---

60. Max Huber.

به اتباع انگلیسی در منطقه اسپانیایی  
مراکش (R.S.A.vol. II, pp. 615-742) و رأی مورخ 19  
اکتبر 1928 صادر در دعوی جورج پینسون<sup>61</sup>  
بوسیله پروفیسور ویرژیل<sup>62</sup> رئیس کمیسیون  
دعاوی فرانسه - مکزیك متشکل بموجب  
عهدنامه 25 سپتامبر 1924.<sup>63</sup>

(ibid., Vol. V. pp. 327-454 et R.G.D.I.P., 1932, pp. 230,260,391-436,540-564  
et 649-704).

سپس مؤلف به استناد آرای بین‌المللی و  
بویژه دو رأی مذکور، سه نوع خسارت ناشی  
از جنگ داخلی و انقلاب را تفکیک و  
قواعدی برای آنها به شرح زیر ذکر  
می‌کند:

### 1. خسارات ناشی از خود نبرد

بطورکلی رویه قضایی بین‌المللی در  
اینجا عدم مسئولیت دولت را با اجرای  
قواعد حقوق جنگ از باب قیاس می‌پذیرد و  
آن را با نظریه فورس ماژور یا حالت  
اضطرار توجیه می‌کند.<sup>64</sup>

---

61. Georges Pinston.

62. Max Huber.

63. Georges Pinston.

64. روسو، کتاب یاد شده: ش 80. برای بحث تفصیلی از اثر  
جنگ بر قراردادهای بین‌المللی رجوع شود به:

## 2. خسارات ناشی از اقدامات مقامات دولتی

به گفته روسو، اقدامات مقامات دولتی در موارد خاص علیه خارجیان در صورتی که از حدود مقرر برای تکالیف و تحمیلات بدون غرامت تجاوز کند، موجب مسئولیت دولت است. و نیز قصور و عدم مراقبت دولت در جلوگیری از اعمال زیان آور یا تعقیب مقصران موجب مسئولیت آن خواهد بود. از جمله اعمالی که بموجب رویه قضایی مسئولیت دولت را باعث می‌شود، ویرانیهای بدون ضرورت نظامی و تاراج اموال بیگانگان است.<sup>65</sup>

## 3. خسارات ناشی از اقدامات شورشیان

در این خصوص، رویه قضایی بین‌المللی بین موردی که انقلابیان پیروز نشده و موردی که آنان پیروز شده باشند، فرق می‌گذارد.

در موردی که انقلابیان یا شورشیان پیروز نشده باشند، دولت مسئول اعمال آنان نخواهد بود.<sup>66</sup> ولی در فرضی که

---

65. همان مأخذ: ش 81.

66. همان مأخذ: ش 83.

انقلابیان پیروز شده و به حکومت رسیده باشند، رویه قضائی بین‌المللی دولت را مسئول اعمال آنان می‌شناسد. به اعتقاد روسو این، راه حلی است که در حقوق بین‌الملل جا افتاده است استدلالی که در این باره می‌کنند آن است که انقلابیان پیروز به لحاظ پیروزی‌شان مظهر اراده ملت از آغاز مبارزه بشمار می‌آیند و در واقع عمل انقلابی آنان در گذشته تنفیذ و بعنوان عمل دولت تلقی می‌شود.<sup>67</sup>

معهدا باید یادآور باشد که مسئولیت دولت در قبال اعمال انقلابیان نسبت به بیگانگان تا حدی است که این اعمال از نظر حقوق بین‌الملل نامشروع باشد. از آنجا که آثار پیروزی انقلابیان عطف به ماسبق شده و آنان از آغاز مبارزه، مظهر اراده ملی و دارای اختیارات و قدرت دولتی تلقی می‌شوند، مسئولیت آنان نیز باید در حد مسئولیت دولت باشد نه بیشتر از آن. بنابراین انقلابیان نباید مسئول اعمالی باشند که برای رسیدن به هدفهای انقلاب ضرورت داشته باشد و به تعبیر دیگر اجتناب ناپذیر بوده است. اینگونه

---

67. همان مأخذ، ش 84.

اعمال که نقض يك تعهد بين المللي محسوب نمي‌شود، در واقع از مصاديق فورس ماژور و موجب برائت است.

مادة 15 طرح مقررات راجع به مسئوليت بين المللي دولت که در سال 1980 به تصويب کميسيون حقوق بين الملل رسیده است، با اعلام اينکه «عمل يك نهضت انقلابي که حکومت جديدي را در کشور تشکيل مي‌دهد، بعنوان عمل آن دولت شناخته مي‌شود»، اشاره مي‌کند به اينکه مسئوليت نهضت انقلابي در حد مسئوليت دولت است؛ يعني اعمال انقلابيان تا حدي موجب مسئوليت دولت انقلابي است که از نظر حقوق بين الملل نامشروع و نقض تعهد بين المللي دولت محسوب گردد.

«برانلي» در اين باب مي‌گويد:

شورشان پيروزمند مسئول فعل يا ترك فعلهاي غيرقانوني نيروهاي خود در جريان مبارزه مي‌باشند.<sup>68</sup>

در رأي پينسون هم با استعمال «اعمال غيرقانوني»<sup>69</sup> بدین نکته اشاره شده است:

---

68. BROWNLIE (I.) Principles of Public International Law, 3d ed., Oxford 1972, p. 454.

عموماً دولتي كه از بوتي آزمايش يك جنبش انقلابي بيرون آمده است، مسئول اعمال حقوقي و اعمال غيرقانوني انقلابيان نيست مگر اينكه آن جنبش به پيروزي نهايي رسيده باشد.

به هرحال قاعده كلي در اين باب اين است كه يك دولت، مسئول جنبشها و شورشهاي انقلابي كه از كنترلش خارج است، نمي‌باشد<sup>70</sup> و عدول از آن، استثنا بر اصل است كه بر طبق اصول حقوقي بايد مبتني بر دليل موجه و محدود باشد.

بنابراين دولت انقلاب ايران مسئول عمالي كه در جريان و شورشهاي مردمی روي داده و آن اعمال غيرقابل اجتناب و لازمة انقلاب بوده است، نمي‌باشد. در اين باب نه تنها به نظرية فورس ماژور بلکه در دعاوي بين ايران و امريكا، به عبارت بند 11 بيانية اصول كلي (الجزاير) و مادة 2 بيانية حل و فصل<sup>71</sup> نيز مي‌توان

---

69. actes illégaux.

70. رجوع شود به رأي صادره در پرونده The Sambiaggion در كميسيون مختلط ايتاليا - ونزولا به تاريخ 1903، گزارش دبیرخانه سازمان ملل: ش 366 تا 369.

71. [بند] 11. بمحض صدور گواهي مذکور در بند 3 توسط دولت الجزاير، ايالات متحده فوراً تمام دعاوي كه در حال

---

حاضر علیه ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح است پس خواهد گرفت و از آن ببعده نیز از اقامه دعوی در مورد هرگونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با:

(الف) عمل دستگیری 52 نفر اتباع ایالات متحده در 13 آبان 1358 (4 نوامبر 1979)، (ب) توقیف دستگیرشدگان، (ج) خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت آمریکا در تاریخ بعد از 12 آبان 1358 (3 نوامبر 1979) و (د) صدمات وارده به اتباع ایالات متحده، و یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد نمود. ایالات متحده همچنین مانع از اقامه دعوی علیه ایران در دادگاههای آمریکا توسط اشخاص غیرامریکایی درباره ادعاهای حال و یا آینده ناشی از حوادث ذکر شده در این بند خواهد گردید.

ماده 2 بیانیه حل و فصل:

بدین وسیله یک هیئت داور (هیئت رسیدگی به دعوی ایران و ایالات متحده) بمنظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران علیه ایالات متحده و هرگونه ادعای متقابل ناشی از قرارداد فیما بین، معامله یا پیش‌آمدهی که مبنای ادعای آن تبعه باشد، تشکیل می‌گردد، در صورتی‌که اینگونه ادعاها و ادعاهای متقابل در تاریخ این بیانیه پابرجا بوده، اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده یا مطرح نشده باشد، و ناشی از دیون، قراردادها (شامل اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی)، ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که مؤثر در حقوق مالکیت باشد. موارد مندرج در بند 11 بیانیه مورخ 29 دی‌ماه 1359 (19 ژانویه 1981) دولت الجزایر و ادعاهای ناشی از اقدامات ایالات متحده در قبال موارد مذکور در آن بند، همچنین ادعاهای ناشی از قراردادهای تعهدآور فیما بین که در آن قراردادهای مشخصاً رسیدگی به دعوی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران، باتوجه به نظر مجلس شورای اسلامی ایران باشد، از این امر مستثنی هستند.

**قوه قاهره فورس ماژور 153**

استناد کرد. در واقع علت استثنای دعاوی ناشی از انقلاب و شورش‌های مردمی و خارج کردن آنها از صلاحیت دیوان داوری همین است که دولت اصولاً مسئول این اعمال نیست. در آرای متعدد بین‌المللی به‌صراحت اعلام شده است که دولت مسئول اعمالی که خارج از کنترلش می‌باشد، نیست.

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده نیز در قرارداد اعدادی شماره 32\_24\_1 (پرونده شماره 24) مورخ 25 بهمن 1362 بعد از اشاره به اعتصاب، تعطیل کار، اختلاف، تغییر نظام اقتصادی و سیاسی و بالاخره انقلاب در ایران، چنین می‌گوید:

از نظر حقوق بین‌الملل چنین انقلاب استحقاق جبران خسارت به سرمایه‌گذاران نمی‌دهد. بنابراین با در نظر گرفتن حوادث قبل از ژانویه 1980 که خواهانها

---

2. هیئت داوری همچنین درباره ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیما بین درخصوص خرید و فروش اجناس و خدمات، صلاحیت داوری خواهد داشت.

3. همان گونه که در بندهای 16 و 17 بیانیه مورخ 29 دی ماه 1359 (19 ژانویه 1981) دولت الجزایر مذکور است، هیئت داوری صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای هر یک از موارد مندرج در آن بیانیه را خواهد داشت.

به آن اشاره می‌کنند، دیوان داوری هیچیک از آن حوادث را منفرد و یا در مجموع به مثابه گرفتن حقوق قراردادی و سهام خواهانها نمی‌شناسد.<sup>72</sup>

در واقع داوری در این عبارت، بدون اینکه نامی از فورس‌ماژور ببرد، حوادث مذکور و وجود شرایط انقلاب را موجب تحقق فورس‌ماژور و در نتیجه عدم مسئولیت ایران تلقی می‌کند، و ضمناً اظهارنظر می‌نماید که این شرایط تا آخر ژانویه 1980 (11 بهمن 1358) باقی بوده است. رأی دیگر از همین دیوان شرایط فورس‌ماژور را تا اواسط تابستان 1979 باقی شناخته است (قرار اعدادی شماره 2 - 49 - 34 مورخ 62/5/5). اندکی بعد در مورد این قرار بحث می‌شود.

این نکته نیز قابل توجه است که عدم تقصیر دولت در حقوق بین‌الملل، همیشه مفروض است. بنابراین طرفی که ادعا می‌کند دولت در انجام وظایف خود کوتاهی کرده و مراقبت لازم را جهت جلوگیری از زیان بکار نبرده است، باید آنرا اثبات کند. در رأی مورخ 1903 صادره از

---

72. متن فارسی قرار: ص 49 و 50.

کمیسیون مختلط هند - ونزوئلا در پرونده «بن بلیستا»<sup>73</sup> که در گزارش دبیرخانه سازمان ملل در مورد فورس ماژور (شماره 375 گزارش) آمده نیز این قاعده بصراحت اعلام گردیده است.

معافیت از مسئولیت بعلت جنگ یا انقلاب در حقوق داخلی نیز در پاره‌ای موارد پذیرفته شده است. در حقوق فرانسه بموجب آرای قضائی، صرف حالت جنگ، فورس ماژور تلقی نشده ولی عملیات جنگی در صورتی که عدم امکان اجرای قرارداد را سبب شده باشد فورس ماژور بشمار آمده است مانند موردی که عملیات جنگی موجب قطع ارتباطات یا ترك اجباری محل به دستور مقامات نظامی و در نتیجه عدم امکان اجرای قرارداد شده باشد.<sup>74</sup>

در حقوق امریکا نیز معافیت متعهد از مسئولیت در صورت عدم امکان اجرای قرارداد بعلت جنگ یا انقلاب، در برخی از آرا مورد قبول واقع شده است.<sup>75</sup> حتی بموجب يك رأي صادر از دادگاه نیویورک، «شرایط ناشی از انقلاب ممکن است متعهد

73. The Benbelista.

74. کارنیه، کتاب مذکور ش 75، ص 289.

75. CORBIN on Contracts, T. 6. §§1343-1344.

را در اجرای قرارداد در صورتی که چنین تغییر شرایطی را در نظر نداشته باشند، معاف کند».<sup>76</sup> لیکن به نظر می‌رسد که این قاعده بیشتر مربوط به تغییر اوضاع و احوال است تا فورس ماژور و در آن فرض، حتی هنگامی که اجرای قرارداد غیرممکن نشده باشد، سقوط تعهد و برائت متعهد با حدود و قیودی براساس نظریه فراستریشن پذیرفته شده است. به هر حال مسئله تغییر اوضاع و احوال نیاز به مطالعه جداگانه‌ای دارد و بحث از آن در این مقاله مورد نظر نیست.

## ب. اعتصاب

در حقوق فرانسه بموجب آرای قضائی، اعتصاب از موارد فورس ماژور شناخته شده است مشروط بر اینکه اولاً تا حدی عمومیت داشته باشد؛<sup>77</sup> ثانیاً ناگهانی و پیش‌بینی

---

76. "Condition created by revolution may be such as to excuse performance of a contract not contemplating such changed conditions". N.Y. – Sokoloff v. National City Bank of New York. 164 N.E. 745. 250 N.Y. 69 (cf Corpous Juris Secumdun, T.17A §§ 464, no 36, p. 621).

77. اعتصاب گروهی از کارکنان یا بعضی از موسسات اقتصادی که در یک رشته کار می‌کنند، فورس ماژور بشمار

نشده باشد؛ ثالثاً ناشی از تقصیر صاحب مؤسسه نباشد. مثلاً اگر سخت‌گیری کارفرما نسبت به کارگران پدید آورنده اعتصاب باشد، یا کارفرما بتواند با دادن امتیازات معقول آنان را از اعتصاب باز دارد، نمی‌تواند به قوه قاهره استناد کند.<sup>78</sup>

در حقوق امریکا معمولاً می‌گویند اعتصاب موجب معذوریت و معافیت از مسئولیت نیست.<sup>79</sup> لیکن به نظر می‌رسد که مقصود اعتصابی است که عمومیت نداشته و اجرای قرارداد با وجود آن اعتصاب ممکن باشد، و به تعبیر دیگر، منظور اعتصابی است که عدم امکان شخصی<sup>80</sup> ایجاد کند نه عدم امکان نوعی.<sup>81</sup> «کوربین» در این‌باره می‌گوید:

اگر کارگران اعتصاب کنند، کارفرما باید اشخاص دیگری را فراهم آورد، یا برآوردن درخواستهای اعتصابگران، آنان را به کار بازگرداند (ج 6، ش 130).

---

نمی‌آید؛ زیرا در این صورت، متعهد باید کالای موضوع معامله را از مؤسسه دیگر تهیه کند.  
**78.** کاربنیه، کتاب مذکور: ش 75، ص 289.

**79.** C.J.S.T. 17 A §459. p. 598: §463 (I), 613y – CORBIN on Contracts, T.6, §§ 1332-1340.

**80.** subjective impossibility.

**81.** objective impossibility.

از این عبارت بخوبی بر می‌آید که اگر اعتصاب عمومی داشته و موجب عدم امکان مطلق اجرای تعهد باشد، عذر موجه در عدم اجرا بشمار می‌آید؛ همان‌طور که اصول کلی فورس‌ماژور یا عدم امکان، چنین اقتضا می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت طبق قواعد عمومی فورس‌ماژور، حتی در حقوق امریکا، اعتصابات عمومی ایران در جریان انقلاب که اجرای قراردادهای را غیرممکن کرده بود، باید فورس‌ماژور تلقی شود.

رأی اعدادی شماره 2\_49\_24 مورخ 5 مرداد 1362 صادر از دادگاه داورى دعواي ايران - ایالات متحده در دعواي «گولدمارکتینگ اینکورپوریتد» بعنوان جانشین شرکت هوفمن علیه وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، وجود حالت فورس‌ماژور را تا اواسط تابستان 1979 به علت اعتصابات، اعتشاشات و سایر کشمکشهای داخلی در جریان انقلاب اسلامی بصراحت پذیرفته است. بخشی از این رأی که مربوط به بحث ما است، از صفحات 11 و 12 متن فارسی عیناً نقل می‌شود:

وظیفه دیوان داور این است که باتوجه به واقعیات تعیین کند که وضعیت حقوقی بین طرفین بهنگام متوقف شدن و انجام کار چه بوده است. تا دسامبر 1978 اعتصابات، اغتشاشات و سایر کشمکشهای داخلی در جریان انقلاب اسلامی، لاقلاً در شهرهای بزرگ ایران، شرایط کلاسیک فورس ماژور را بوجود آورده بود. منظور ما از فورس ماژور عبارت از نیروهای اجتماعی و اقتصادی است که از قدرت کنترل دولت با اعمال مجاهدت لازم، خارج است. بنابراین، خساراتی که در اثر بکار افتادن این نیروها ایجاد میشود، قابل انتساب به دولت بمنظور پاسخگوئی به خسارات نیست. به همین ترتیب، همان طوری که بین اشخاص خصوصی صادق است، یک طرف نمیتواند بابت خسارات ناشی از تأخیر یا توقف در انجام کار بهنگام برقراری شرایط فورس ماژور، ادعائی علیه طرف دیگر مطرح سازد مگر اینکه وجود چنین شرایطی به قصور طرف خوانده قابل انتساب باشد... لذا در نبود دلیلی دایر بر اینکه دولت رأساً مسئول ادامه

آن شرایط (فورس ماژور) تا تاریخ فوق بوده، تعلیق تعهدات انجام کار به تاریخ پرداخت در ماه ژوئن 1979 باید ناشی از همان شرایط فورس ماژوری تلقی گردد که موجب شده نمایندگان محلی (هوفمن) ایران را ترک کنند... بنابراین، دیوان داور چینی نتیجه می گیرد که تا اواسط تابستان 1979 که ادامه وجود شرایط فورس ماژور تبدیل به فسخ قرارداد بین هوفمن و وزارت دفاع شده بود، اساساً انجام قرارداد غیرممکن شده بود....

چنانکه ملاحظه می شود به تعدادی از قواعد عمومی فورس ماژور در عبارات فوق اشارت رفته است:

عبارت فورس ماژور نیروهائی است که «از قدرت کنترل دولت با اعمال مجاهدت لازم خارج است»، تعبیری است از غیرقابل اجتناب بودن حوادثی که فورس ماژور بشمار می آید.

جمله «با اعمال مجاهدت لازم»، اشاره به این است که تقصیر متعهد در جلوگیری از زیان، موجب مسئولیت او خواهد بود.

**قوه قاهره فورس ماژور 161**

عبارت خسارات ناشی از این نیروها «قابل انتساب به دولت ... نیست»، بیانی است از شرایط خارجی بودن حادثه فورس ماژور.

«یک طرف نمی‌تواند بابت خسارات ... به‌نگام برقراری شرایط فورس ماژور ادعایی علیه طرف دیگر مطرح سازد»، شیوه‌ای در بیان عدم مسئولیت متعهد در صورت تحقق فورس ماژور است.

عبارت «مگر اینکه وجود چنین شرایطی به‌طور طرف‌خوانده قابل انتساب باشد، متضمن این معنی است که تقصیر متعهد مانع تحقق شرایط فورس ماژور و برائت او است.

عبارت «ادامه وجود شرایط فورس ماژور تبدیل به فسخ قرارداد بین هوفمن و وزارت دفاع شده بود»، مبنی بر این قاعده است که پس از تعلیق قرارداد به علت فورس ماژور، در صورتی‌که اجرای آن بعد از مدتی، دیگر فایده‌ای برای متعهدله نداشته باشد و یا برخلاف اراده مشترک طرفین باشد، حکم به انحلال قرارداد داده خواهد شد.

### ج. منع قانوني

ممکن است بعد از عقد قرارداد در اثر تغییر مقررات، اجرای تعهد غیرممکن شده و به تعبیر دیگر مانع قانونی برای آن ایجاد شده باشد. این نیز از مصادیق فورس ماژور بشمار می‌آید. امروزه در همه نظامهای حقوقی در فورس ماژور و یا نهادهای مشابه آن، علاوه بر عدم امکان مادی و فیزیکی، از عدم امکان حقوقی یا قانونی سخن می‌گویند. در کتاب معروف Corpus Juris Secundum تحت عنوان امکان قانونی<sup>82</sup> چنین آمده است:

قاعده عمومی این است که اجرای قرارداد هنگامی که مستلزم نقض حقوق یا دستور یا تصویبنامه دولت است، نمی‌تواند الزامی باشد. بنابراین جز در اوضاع و احوال غیرعادی و جز در مواردی که ثابت شود خلاف آن اراده شده است، هنگامی که اجرای قرارداد بعد از زمان انعقاد، غیرقانونی شده باشد، قرارداد ساقط یا خاتمه یافته تلقی می‌شود. اجرای قرارداد در چنین شرایطی تجاوز به نظم عمومی است. تغییر

---

82. Legal Impossibility.

مقررات ممکن است ناشی از قانونگذاری یا تصمیمات اداری باشد و این قاعده حتی هنگامی که شرطی در قرارداد مبنی بر معافیت متعهد در اجرا در چنین مورد وجود نداشته باشد، لازم الاجرا است.<sup>83</sup>

عبارت فوق مستند به آرا صادره از دادگاه‌های امریکائی است.

یکی از موانع قانونی، عدم صدور پروانه صدور یا ورود کالا بموجب مقررات دولتی است که از مصادیق فورس ماژور بشمار آمده و موجب معافیت متعهد است در حقوق انگلیس و امریکا براساس رویه قضائی دو استثنا برای این قاعده ذکر شده است:

1. اگر متعهد صریحاً یا ضمناً خطر عدم صدور پروانه را پذیرفته باشد و بعبارت دیگر اگر بموجب توافق صریح یا ضمنی طرفین، مسئولیت متعهد حتی در صورت منع صدور پروانه پیش‌بینی شده باشد، متعهد نمی‌تواند به فورس ماژور استناد کند و مسئول است.

---

83. Corpus Juris Secnudum 83. C.J.S. § 467, pp. 633-634-635.

و نیز رجوع شود به کتاب کوربین، در قراردادها: ج 6، پاراگراف 1343.

2. اگر متعهد اقدامات لازم جهت تحصیل پروانه را در حد معقول انجام نداده و در این باب کوتاهی کرده باشد، مسئول است.<sup>84</sup>

این دو استثنا که منطبق با قواعد عمومی فورس ماژور است، در نظامهای دیگر حقوقی هم قابل قبول می‌باشد.

در مواردی که طرف قرارداد، یک شرکت خصوصی یا شرکت یا مؤسسه دولتی مستقل از دولت است، استناد به قوه قاهره در صورت تغییر مقررات و منع قانونی، امکان پذیر است. شرکت یا مؤسسه مزبور می‌تواند چنین استدلال کند که دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت است و تغییر مقررات که مانع اجرای تعهد شده است، بدون مشورت یا موافقت یا دخالت او انجام گرفته و در وضع مقررات جدید هیچگونه نقشی نداشته است.

مجلس اعیان انگلیس در یک رأی صادره به تاریخ 6 ژوئیه 1978 در دعوی ژارنیکوف علیه رلیمپکس<sup>85</sup> همین نظر را پذیرفته است. خواننده دعوی رلیمپکس، یک

---

84. CORBIN, op. cit. T.6 § 1347y DAVID, Les contrats en Droit anglais, pp. 389-390.

85. C. Czarnikow limited v. Rolipex.

مؤسسه دولتي لهستاني بود که بموجب قرارداد، تعهد به فروش و صدور مقداري شکر نمود و چون به سبب دخالت دولت<sup>86</sup> و منع صدور شکر نتوانست تعهد خود را انجام دهد، خواهان عليه آن در دادگاه داوري پيشبيني شده در قرارداد، اقامة دعوي کرد و دادگاه داوري، مورد را از موارد فورس ماژور تشخيص و حکم به عدم مسئوليت خوانده داد.

خواهان به دادگاه انگليس شکايت برد و در آخرين مرحله مجلس اعيان انگليس حکم صادر از مرجع داوري را تأييد نمود بدین استدلال که براساس دلايل موجود، رُلیمپکس يك ارگان دولت لهستان تلقي نمی‌شود، استقلال آن نسبت به دولت به اثبات رسیده است (خوانده دلايلي اقامه کرده مبني بر اینکه با دولت تباري نداشته، بلکه برعکس، هنگامی که امکان منع صدور شکر به اطلاع مدير عامل رُلیمپکس رسیده بدان اعتراض کرده و تصميم مزبور بدون مشورت کارکنان شرکت اتخاذ شده است و آنان فقط پس از منع،

---

86. Government intervention.

از آن آگاه شده‌اند) و دخالت دولت در این مورد فورس ماژور تلقی می‌شود. هنگامی که یک شرکت دولتی در یک کشور کمونیستی مستقل از دولت تلقی شود، به طریق اولی، شرکتهای خصوصی یا حتی دولتی در کشورهای غیرکمونیستی از قبیل ایران نیز بایستی مستقل محسوب گردند و تغییر مقررات و موانع قانونی که بدون مشورت و دخالت آنها از سوی دولت پدید آمده است، باید موجب معافیت آنها از مسئولیت باشد.

اما در صورتی که دولت خود طرف قرارداد باشد، استناد به تغییر مقررات بعنوان قاهره، قابل بحث است. اگر تغییر مقررات بمنظور عدم اجرای قرارداد صورت گرفته باشد، استناد به قوه قاهره دشوار است، زیرا بر طبق قواعد عمومی، در صورتی که عدم اجرای قرارداد ناشی از اراده متعهد باشد، قوه قاهره مصداق نخواهد داشت؛ لیکن اگر تغییر مقررات و ایجاد موانع قانونی در راه مصالح عمومی و بدون توجه به قرارداد مورد نظر باشد، استناد به قوه قاهره به وجه نیست. لاقلاً

این راه حل با نظر بعضی از علمای حقوق موافق است.

بعضی از حقوقدانان پیشنهاد کرده اند که اعمال دولت طرف قرارداد در موارد زیر فورس ماژور تلقی شود:

– در موردی که قانون به معنی اخص که بعد از عقد قرارداد به تصویب رسیده اجرای قرارداد را منع کرده باشد مگر اینکه طرف دیگر قرارداد (متعهدله) ثابت کند که قانون مزبور بدین منظور وضع شده است که دولت را از تعهدات قراردادی خود بطور جزئی یا کلی معاف کند یا محتوای قرارداد را به سود دولت تغییر دهد.

– در موردی که مانع، ناشی از اعمال اداری باشد (مانند خودداری مقامات اداری از صدور پروانه واردات یا صادرات) مشروط بر اینکه دولت طرف قرارداد ثابت کند که آن اعمال، برپایه مصالح عمومی و بدون ارتباط با قرارداد مورد نظر یا قراردادهائی از آن نوع انجام گرفته است.<sup>87</sup>

---

87. BOCKSTIEGEL, "Specific of international arbitration between states and private enterpriss" 6<sup>th</sup> International Congress, 1975, New Delhi.

(نقل از مقاله Van Ommeslaghe، ص 49).

با توجه به مطالب فوق، هرگاه عدم اجرای قرارداد از سوی طرف قرارداد، ناشی از سیاسی کلی دولت متبوع او مبني بر اجازه ندادن به پیمانکاران خارجی جهت انجام خدمات در آن کشور باشد، می‌توان به فورس ماژور استناد کرد.

### بخش چهارم فورس ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی<sup>88</sup>

در اینجا نخست از تعریف و ذکر موارد فورس ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی سخن می‌گوئیم؛ سپس آثار فورس ماژور را بدانگونه که در قراردادهای یاد شده پیش‌بینی می‌شود، بررسی می‌نمائیم.

---

**88.** برای بحث کلی راجع به فورس ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، به منابع زیر رجوع شود:  
G.R. DELAUME, Excuse for Non-Performance and Force Majeure in Economic Development Agreements, Columbia Journal of Transnational Law, vol.10, No.1, 1971, pp.243., Le contrat économique Travaux des Villes Journées d'études juridiques jean Dabin, les 22-23 Novembre 1973 d. Bruxelles – paris 1975, p. 135 et s., 200 et s.; VAN OMMESLGH, op. cit, Revue de Droit international de Droit comparé, T. LVII-1980, P.7 ET S.

## الف. تعریف و موارد فورس ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی

در اغلب قراردادهای بازرگانی بین‌المللی اعم از اینکه يك طرف آن دولت باشد یا نه، شرط فورس ماژور دیده می‌شود. عبارت شرط فورس ماژور در قراردادها متفاوت است. دوازده نمونه‌ای که از قراردادهای بین ایران و مؤسسات ایرانی و شرکتهای امریکائی مورد بررسی واقع شدند، این اختلاف و تفاوت را به خوبی نشان می‌دهند. در برخی از قراردادهای مزبور فورس ماژور با عبارت کلی تعریف و سپس موارد آن احصاء شده است. گاهی تصریح می‌کنند که ذکر این موارد حصري نیست، بلکه تمثیلی است. در بعضی از قراردادها بدون تعریف فورس ماژور، به ذکر مواردی از آن اکتفا می‌شود. در پاره‌ای از قراردادها فقط به فورس ماژور بعنوان عذر در عدم اجرای قرارداد اشاره کرده‌اند بدون اینکه آن را تعریف یا مواردی از آن را ذکر کنند. در برخی از قراردادها قید شده که مقصود از قوه قاهره همان است که در عرف بین‌الملل تعریف شده است. البته این

عبارت مبهم است، زیرا در عرف بین‌المللی - چنانکه از توضیحات پیشین بر می‌آید - تعریف و ضوابط دقیقی برای فورس ماژور وجود ندارد و تفاوت بین نظام‌های حقوقی و قراردادها و آرای بین‌المللی در این باب، بدان حد است که وجود عرف بین‌المللی در این زمینه مشکوک است؛ فقط در قرارداد های نفتی به گفته برخی از مؤلفان شاید عرف بین‌المللی وجود داشته باشد.<sup>89</sup> در اغلب قرارداد های بازرگانی شورش، انقلاب، اعتصاب و دخالت دولت از موارد فورس ماژور بشمار آمده است، و نیز در اکثر قراردادها اشاره می‌شود به اینکه فورس ماژور حادثه‌ای خارج از کنترل یا کنترل معقول متعهد است که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد. از آنجا که شرط فورس ماژور در قراردادها همه مسائل مربوط را پیش‌بینی نمی‌کند و اغلب خالی از ابهام نیست، معمولاً اشکالاتی برای قضاات یا داوران پدید می‌آورد.<sup>90</sup>

---

89. مقالة van Ommeslaghe، ص 15 .  
90 . همان مقالة: ص 41 و 42 .

در اغلب قراردادها مفهوم و نظریه‌ای که طرفین قرارداد از فورس ماژور پذیرفته‌اند، روشن نیست. معلوم نیست آیا مفهوم مضیق فورسماژور مورد قبول واقع شده یا مفهوم موسع آن. آیا عدم امکان شخصی، فورس ماژور بشمار می‌آید یا خیر؟ آیا قابل پیش‌بینی نبودن حادثه، شرط فورس ماژور تلقی شده است یا نه؟ البته در برخی از قراردادها بدین شرط تصریح شده است،<sup>91</sup> ولی در اغلب قراردادها چنین تصریحی دیده نمی‌شود؛ همچنین معلوم نیست آیا مقصود طرفین در شرط فورس ماژور، تشریح حقوق حاکم بر قرارداد در زمینه فورس ماژور و لازم‌الاجرا شناختن آن است یا انتخاب مفهوم و سیدستی که قابل انعطاف‌تر از حقوق حاکم بر قرارداد بوده و تنها در پاره‌ای از موارد فورس ماژور را قابل اعمال می‌داند، که بر طبق حقوق حاکم بر قرارداد، فورس ماژور در آن موارد قابل اجرا نیست. باتوجه به ابهام شرط فورس ماژور، قضات یا داوران ناگزیر

---

**91.** برای نمونه رجوع شود به ماده 7 قرارداد بین وزارت نیرو و شرکت مهندسی بین‌المللی «هارزا» مورخ 1965 (پرونده شماره 97 دیوان داوران ایران - ایالات متحده بودجه).

از بررسی اراده مشترک طرفین هستند و در صورتی که شکی در این خصوص داشته باشند، گرایش بدان دارند که حقوق حاکم بر قرارداد را اجرا کنند و به بیان دیگر، فرض می‌کنند که طرفین اجرای آن حقوق را در نظر داشته‌اند. حتی تمایل قضات انگلیسی در صورت مواجهه با شرط مبهم آن است که بطور ساده از آن چشم می‌پوشند و به حقوق حاکم بر قرارداد رجوع و آن را اجرا می‌نمایند.

یکی از موارد اشکال، ذکر کلمه اعتصاب در شرط فورس ماژور است. اعتصاب در حقوق داخلی - چنانکه گفتیم - ممکن است از مصادیق فورس ماژور باشد یا خیر. به تعبیر دیگر، اعتصاب با پاره‌ای قیود و حدود، فورس ماژور تلقی شده است. در قراردادها غالباً روشن نیست که مقصود طرفین قبول حدود و قیود مقرر در حقوق حاکم بر قرارداد است یا اینکه آنان خواسته‌اند قاعده گسترده‌تری را در این باره بپذیرند. به هر حال اگر مفهوم موسع و قابل انعطاف از فورس ماژور به سود طرف قرارداد باشد، بی‌آنکه در قرارداد به خلاف آن تصریح کرده باشند، می‌توان به

استناد عموم یا اطلاق شرط، از آن مفهوم دفاع کرد.

اگر در قرارداد شرط فورس ماژور اصلاً وجود نداشته باشد، این مسئله تابع حقوق حاکم بر قرارداد خواهد بود<sup>92</sup> که اصولاً برطبق ارادة طرفین یا ضوابط تعارض قوانین تعیین می‌شود.

#### **ب. اثر فورس ماژور در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی**

برطبق قواعد عمومی، چنانکه گفتیم، فورس ماژور دارای دو نتیجه مهم است: یکی تعلیق یا انحلال قرارداد و دیگر عدم مسئولیت ناشی از نقض قرارداد. در قراردادهای بین‌المللی بندرت اتفاق می‌افتد که فورس ماژور یکبارہ انحلال قرارداد را در پی داشته باشد. معمولاً در قرارداد، تعلیق آن به علت فورس ماژور برای مدتی معین (و گاهی بدون قید مدت) پیش‌بینی می‌شود؛ ضمناً مقرر می‌گردد که متعهد در صورتیکه بخواهد از فورس ماژور

---

92. BATIFFOL (H.), Droit international Privé, 7e éd. T. II. Paris 1983 n° 507.

استفاده کند، باید آن را به اطلاع دیگر قرارداد برساند و کوشش لازم و معقول را جهت دفع حادثه بعمل آورد.

بعد از انقضای مدت مقرر، اندک‌حال قهري قرارداد نادر است؛ بلکه حق فسخ در صورت بقای علت فورس ماژور به متعهدله داده می‌شود، یا مقرر می‌گردد که طرفین برای تجدید نظر در قرارداد و پیدا کردن راه حل با یکدیگر مذاکره کنند و در صورت عدم توافق، هریک از طرفین حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

به هر حال برای تعیین تکلیف طرفین روشن کردن سرنوشت قرارداد باید به مواد و شرایط قرارداد رجوع کرد و در صورتیکه اراده طرفین در این باره بصراحت اعلام نشده باشد، باید اراده ضمنی آن را از خلال عبارات و با توجه به اوضاع و احوال و عرف بازرگانی کشف کرد و چنانچه این امر نیز امکان نداشته باشد، چاره‌ای جز رجوع به قواعد عمومی فورس ماژور در حقوق حاکم بر قرارداد باقی نخواهد ماند. آنچه در این مقاله درباره قواعد عمومی فورس ماژور آمده است، در تفسیر

معقول شرط فورس ماژور در قرارداد ها  
سودمند تواند بود.

### نتیجه

بعد از بحث از قوه قاهره و شرایط و آثار آن در ارتباط با قراردادهای بازرگانی بین‌المللی می‌توان نکاتی بشرح زیر بعنوان نتیجه ذکر کرد:

– قوه قاهره يك حادثه غیرقابل اجتناب، و برابر برخی از نظامهای حقوقی و قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، غیرقابل پیش‌بینی است که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد؛ حادثه‌ای که نمی‌توان آن را به متعهد مربوط نمود. قوه قاهره بعنوان عذر در عدم اجرای قرارداد یا علت معافیت متعهد از مسئولیت، در همه نظامهای حقوق داخلی و نیز در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است و در اصل آن اختلافی نیست؛ هرچند که در جزئیات راجع به شرایط و مصادیق آن اختلافاتی وجود دارد.

قوه قاهره در صورت تحقق، تأثیرات عمده در قراردادها ببار می‌آورد؛ مثلاً یکی آنکه قرارداد در اثر قوه قاهره منحل یا

لااقل معلق می‌شود. اگر عدم امکان اجرای قرارداد دائمی باشد، قرارداد منحل و تعهدات ناشی از آن ساقط می‌گردد، ولی اگر عدم امکان موقت باشد، اجرای قرارداد تا رفع وضعیت قوه قاهره به حال تعلیق در می‌آید مگر اینکه اجرای قرارداد بعد از آن مدت، فایده‌ای نداشته یا برخلاف اراده مشترک طرفین باشد که در این صورت نیز حکم به انحلال قرارداد داده خواهد شد.

در قرارداد های اقتصادی بین‌المللی که در زمره قراردادهای دو تعهدی هستند و تعهد یک طرف در آنها علت تعهد طرف دیگر است، سقوط یا تعلیق تعهد یک طرف، سقوط یا تعلیق تعهد طرف دیگر را در پی خواهد داشت. فورس ماژور در صورتی موجب برائت متعهد است که وقوع حادثه‌ای که فورس ماژور بشمار می‌آید، ناشی از اراده یا تقصیر متعهد نباشد.

— در اغلب قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از جمله قراردادهای بازرگانی ایران و آمریکا که منشأ دعاوی مطروحه در دادگاه داور ایرانی — ایالات متحده است شرط فورس ماژور دیده می‌شود که قابل

استناد است. البته فورس ماژور مسأله اي دقيق و حساس و به يك تعبير، شمشير دولبه است كه هريك از طرفين قرارداد مي‌توانند آن را بكار برد. بنا بر اين استفاده از آن در هر پرونده بايد با بررسي دقيق اوضاع و احوال آن پرونده و شرط فورس ماژور مندرج در قرارداد مربوط صورت گيرد.

هرگاه شرط فورس ماژور در قرارداد منشأ دعوي موجود نداشته باشد بازهم استناد به اين نظريه امكان پذير است؛ ولي در اين صورت بايد قواعد فورس ماژور در حقوقي حاكم بر قرارداد و حقوق بين‌الملل مورد مطالعه قرار گيرد و با توجه به خصوصيات پرونده و جوانب امر، عندالاقضاء بدان استناد گردد.

– بايد توجه داشت طرفي كه به فورس ماژور استناد مي‌كند بايستي وجود وضعيت فورس ماژور را اثبات نمايد. به تعبير ديگر بار دليل در اينجا بر دوش متعهدي است كه مي‌خواهد با اتكاء بر قوه قاهره خود را از زيربار مسئوليت رهائي بخشد. البته اگر متعهدله ادعا كند كه پيدائي وضع فورس ماژور ناشي از تقصير متعهد

بوده و در نتیجه مسئولیت او باقی است،  
اثبات این امر برعهده متعهد له خواهد  
بود.